



شناخت دیرنگام سهروردی در غرب/ شیخ اشراق از طریق «کرین» معرفی شد

استاد پیشین دانشگاه هاروارد گفت: از آنجایی که آثار سهروردی به زبان لاتین ترجمه نشد مواجهه اندیشمندان اروپایی تا قرن بیستم با آراء و آثار این فیلسوف ایرانی به صورت غیر مستقیم صورت گرفت.

استاد پیشین دانشگاه هاروارد گفت: از آنجایی که آثار سهروردی به زبان لاتین ترجمه نشد مواجهه اندیشمندان اروپایی تا قرن بیستم با آراء و آثار این فیلسوف ایرانی به صورت غیر مستقیم صورت گرفت.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-جلال حیران نیا: شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک ابوالفتوح سهروردی، ملقب به شیخ اشراق فیلسوف نامدار ایرانی اهل قیدار از استان زنجان ایران است.

سهروردی مکتب فلسفی اشراق را بوجود آورد که بعد از مرگش وسعت یافت. او نظریه خود را در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ارائه کرد. سهروردی را رهبر افلاطونیان جهان اسلام لقب داده‌اند. او خود فلسفه‌اش را حکمت اشراق نامیده بود که به معنای درخشندگی و برآمدن آفتاب است و اقوام لاتین آن را aurora consurgens نام نهاده‌اند. اما این تفکر فلسفه خاص افلاطونی نیست و در آن آرای افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان و زرتشت و هرمس و اسطوره تحوت و آرای نخستین صوفیان مسلمان در هم آمیخته است.

مکتب سهروردی هم فلسفه هست و هم نیست. فلسفه است از این جهت که به عقل اعتقاد دارد، اما عقل را تنها مرجع شناخت نمی‌داند. عرفان است از این نظر که کشف و شهود و اشراق را شریف‌ترین و بلندمرتبه‌ترین مرحله شناخت می‌شناسد. او به سختی بر ابن سینا می‌تازد و از کلیات و مثل افلاطون دفاع می‌کند. بر وجودشناسی ابن سینا ایراد می‌گیرد که چرا اظهار داشته که در هر شیء موجود، وجود امری حقیقی است و ماهیت امری اعتباری، و برای تحقق محتاج وجود است. در حالی که طبق حکمت اشراق، ماهیت امری حقیقی است و وجود امری اعتباری.

کتاب حکمه الاشراق مهم‌ترین اثر فلسفی سهروردی در واقع به نظریه ابن سینا برای تاسیس حکمت مشرقی جامه عمل پوشاند. او را زنده کننده عرفان آریایی و پدیدآورنده حکمت خسروانی می‌دانند.

در گفتگو با پروفیسور «چارلز تالیافرو» به بررسی شناخت متفکران غربی از سهروردی و آثار وی پرداخته ایم که در ادامه از نظر می‌گذرد.

«چارلز تالیافرو» استاد دانشگاه‌های آکسفورد، کلمبیا، پرینستون، کلمبیا و نتردام آمریکا بوده و در حال حاضر استاد فلسفه کالج سنت اولاف در مینه‌سوتای آمریکاست. راهنمای آکسفورد درباره الهیات، راهنمایی مقدماتی بر زیبایی‌شناسی، تصویر در ذهن، فرهنگ فلسفه دین، تاریخ مختصر روح، راهنمای راتلج درباره خداشناسی و راهنمای مقدماتی فلسفه دین از جمله آثار وی به شمار می‌روند. او از فیلسوفان برجسته در عصر حاضر به شمار می‌رود و در این حوزه صاحب آثار ارزشمندی است. وی دانش‌آموخته دانشگاه براون و هاروارد بوده و عضو انجمن فیلسوفان آمریکاست.

*جایگاه شیخ شهاب الدین سهروردی در تاریخ فلسفه چیست؟

سهروردی فیلسوف بسیار مهم و شاخص و برجسته ای بود. او در قرن 12 میلادی می‌زیست و فیلسوفی ایرانی بود که روش شناسی فلسفی را بنا نهاد که مبتنی بر اشراق و نور الهی بود.

بر همین اساس است که او را شیخ اشراق می‌نامند. سهروردی به رغم اینکه عمر کوتاهی داشت و تنها 38 سال زندگی کرد ولی حدود 50 اثر به زبان فارسی و عربی به نگارش درآورد.

از حیث فلسفی می‌توان سهروردی را با متفکران مسیحی چون آگوستین، بوناونتوره قدیس یا بوناونتورا و «هنری گنت» (Henry of Ghent) مقایسه کرد. همه این متفکران نظریه ای قوی درباره اشراق الهی را بسط و گسترش داده اند.

سهروردی از جمله فیلسوفانی بود که سهمی در معرفت‌شناسی، متافیزیک و فلسفه دین دین با دادن نقش مهمی به وحی و تجربه داشت.

*آراء و اندیشه های سهروردی تا چه میزان در فلسفه غرب حائز اهمیت است؟

از آنجایی که آثار سهروردی به زبان لاتین ترجمه نشد مواجهه اندیشمندان اروپایی و انگلیسی زبان تا قرن بیستم با آراء و آثار این فیلسوف ایرانی به صورت غیر مستقیم صورت گرفت. به این معنا که آشنایی متفکران اروپایی و غربی و انگلیسی زبان با آرای سهروردی در قالب سنت صوفیسم صورت گرفت.

یعنی از رهگذر مطالعه و تحقیق در سنت صوفیگری بود که با آرای این فیلسوف ایرانی به صورت غیر مستقیم آشنایی حاصل شد.

در خصوص اشاعه و رواج آراء و اندیشه های سهروردی و معرفی آن به مغرب زمین همه ما مدیون «هانری کربن» فیلسوف فرانسوی هستیم.

این «هانری کربن» بود که با ترجمه آثار سهروردی در اشاعه و معرفی آرای این فیلسوف ایرانی به مغرب زمین نقش اساسی ایفا کرد. «کربن» همچنین در فهم و غنای ما غربی ها در خصوص فلسفه اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا کرد.

*آیا می توان گفت سهروردی در تاریخ فلسفه یک نقطه عطف بوده است؟

بله سهروردی در تاریخ فلسفه یک نقطه عطف بوده است. سهروردی سنت فلسفی را مورد حمایت قرار داد که این سنت فلسفی نقش مهمی را برای تخیل (imagination) و وحی (revelation) قائل بود که آشکارا در تقابل با سنت فلسفی ارسطو قرار می گرفت. در واقع سنت فلسفی مورد توجه سهروردی با سنت فلسفی ارسطویی در تضاد بود چرا که سنت فلسفی ارسطو مبتنی بر خردگرایی (rationalism) و تأکید ویژه بر این مقوله داشت.

*در حال حاضر شناخت متفکران غربی از سهروردی به چه اندازه است و آیا آثار او در غرب به صورت گسترده در اختیار قرار دارد؟

همانگونه که اشاره کردم آثار سهروردی چون به لاتین ترجمه نشده بود تا همین اواخر در غرب شناخته شده نبود. اما در حال حاضر آثار او در اختیار است و در غرب ترجمه شده است.

من در یک سمینار فلسفه از ترجمه «شکل گیری نور» سهروردی استفاده کردم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. بیان شاعرانه ای که سهروردی از رفتار نور ارائه می دهد و توصیفی که او از روشنگری ارائه می دهد تمایز آشکاری با زبان خشک فلسفه تحلیلی در این مقولات دارد.

*ویژگی مکتب فلسفی سهروردی چیست؟

سهروردی بنیانگذار مکتب اشراق است. همانگونه که اشاره کردم به او شیخ اشراق گفته می شود. مکتب اشراق مکتبی عرفانی و فلسفی است. در واقع سهروردی میان عرفان و فلسفه پیوند برقرار می کند. به عقیده او روح نهایتاً به خدا می پیوندد و با الله یکی می شود.